

آرشيو

فصلنامه علمی - دانشجویی مطالعات آرشیوی دانشگاه الزهراء (س)
سال ششم، شماره هفتم (پیاپی ۳۷)، پاییز ۱۳۹۹، بها: ۲۰۰۰ تومان



فهرست مهمترین مطالب

- مقاله: مروری بر خاستگاه زبان با نگاهی به پیدایش زبان در تاریخ ایران
- ایجاد آرشیو محتوای آموزشی در مواقع بحران مصاحبه با آقای دکتر غلامرضا عزیزی
- ترجمه: حفاظت از گذشته: آرشیو کردن در کتابخانه مدرسه
- نگاهی به نقش آرشیویست مدرسه
- یادی از بزرگان آرشیو: دیوید فریرو؛ دهمین آرشیویست ایالات متحده آمریکا
- برگی از تاریخ: مروری بر تاریخچه شناسنامه در ایران
- پرونده ویژه این شماره: **آرشیو مدارس**



سخن سردبیر

مروری بر خاستگاه زبان با
نگاهی به پیدایش زبان
در تاریخ ایران

ایجاد آرشیو محتوای
آموزشی در مواقع
بحران
مصاحبه با آقای دکتر غلامرضا عزیزی

ترجمه : حفاظت از
گذشته : آرشیو کردن در
کتابخانه مدرسه

نگاهی به نقش
آرشیویست مدرسه

معرفی بزرگان آرشیو
دیوید فریرو
دهمین آرشیویست
ایالات متحده آمریکا

اخبار آرشیوی
ثبت تجربه زیست
فرهیختگان درباره کرونا
در کتاب های درسی
مدارس

معرفی کتاب
سرگذشت سجل و ثبت
احوال در ایران

برگی از تاریخ
مروری بر تاریخچه
شناسنامه در ایران



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صاحب‌امتیاز: انجمن علمی - دانشجویی مطالعات آرشیوی دانشگاه الزهرا(س)
زیر نظر: اداره کل امور فرهنگی دانشگاه الزهرا(س)
مدیرمسئول و سردبیر: خدیجه سلطانیان
مشاور نشریه: سارا سلطانی، کوثر بابایی

هیات تحریریه:

منا ابدی، کوثر بابایی، پریسا دمرلو ابهری، سارا سلطانی، خدیجه سلطانیان، الهام محمدابراهیم

همکاران این شماره

حدیثه افضلی پور، تورج حیدری، سید حسن سیدی، سیده فاطمه سیدزاده، مریم کرمی کندی
الهام محمدابراهیم

ویراستار: خدیجه سلطانیان

طراحی جلد و صفحه‌آرایی: محمدحسین علیزاده

کارشناس نشریه: زهرا وزیری

این شماره از نشریه از همکاری صمیمانه آقای دکتر غلامرضا عزیزی قدردانی می نماید.

با تشکر ویژه از آقای سید حسن سیدی

مسئول محترم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

نشانی: تهران، میدان ونک، ده ونک، دانشگاه الزهرا(س)،
ساختمان معاونت فرهنگی - اجتماعی، اتاق نشریات



۸۸۰۵۶۹۰۸-۰۲۱



۱۹۹۳۸۹۱۱۷۶۴



<http://alzahra-archive-journal.blog.ir>



Archive.alzahra@gmail.com



@soltanian27



journalofarchive

آرشیو ARCHIVE

فصلنامه علمی - دانشجویی مطالعات آرشیوی دانشگاه الزهرا (س)



سخن سردبیر

خدیجه سلطانیان

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات آرشیوی دانشگاه الزهرا (س) - ورودی ۹۷

S o l t a n i a n 2 7 @ y a h o o . c o m

این آرشیوهای منحصر به فرد و ارزشمند باید برای آینده محفوظ بمانند و برای مراجعه و بازیابی آسان برای جامعه مدرسه در دسترس باشند.

با توجه به اینکه هدف آرشیو: سهولت در دسترسی به اسناد و اطلاعات، بالا بردن ایمنی، افزایش کارایی و سرویس دهی و امکان تبادل اسناد به صورت الکترونیکی جهت افزایش سرعت دسترسی، سهولت در تکثیر با حفظ ایمنی و رعایت حدود دسترسی است. مدارس نیز با توجه به دارا بودن اسناد مهم باید در نظر داشته باشند که به ایجاد آرشیو مدارس توجه ویژه ای داشته باشند چرا که ایجاد آرشیو مدارس بی تردید تامین کننده نیازهای آموزشی همه دانش آموزان و معلمان کشور خواهد بود. بنابراین آرشیو مدارس یکی از عناصر اساسی و مهم تاریخ هر مدرسه است. با توجه به موارد گفته شده در این سخن و اهمیت توجه به آرشیوها، این شماره از فصلنامه به موضوع آرشیوها ی مدارس به عنوان پرونده اصلی پرداخته است.

تردیدی وجود ندارد که دسترسی صحیح و به هنگام اسناد و مدارک مهمترین ابزار برای استفاده بهینه از فرصت ها و مقابله با تهدیدها در تمام عرصه های فعالیت بشری، است. دسته بندی و پردازش صحیح از ضرورت های اصلی هر سازمان به شمار می رود. از این رو است که دستیابی به شیوه های نوین اطلاع رسانی و به کارگیری مناسب و مطلوب آن از سوی تمامی دست اندرکاران سازمان ها ضروری می نماید. همه ساله مدارس در سراسر دنیا اسنادی را تولید و دریافت می کنند که منبع بزرگی از اسناد و سوابق بسیار غنی و مهم تاریخی را تشکیل می دهند، این اسناد ممکن است حاوی اسناد مربوط به دانش آموزان، معلمان و اسناد مربوط به تاریخچه مدرسه، لباس فرم، عکس، نقشه ساختمان، فیلم و سایر اسناد مهم دیگر باشند. اینها موارد مهم فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، حقوقی و آموزشی در هر مدرسه است.

سال ششم، شماره هفتم (پیاپی ۸۷)، پاییز ۱۳۹۹





مروری بر خاستگاه زبان با نگاهی به پیدایش زبان در تاریخ ایران

خدیجه سلطانیان

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات آرشیوی دانشگاه الزهراء(س) - ورودی ۹۷

Soltanian27@yahoo.com

چکیده

گرچه بسیاری از زبان‌شناسان درباره منشأ پیدایش زبان که یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات درباره انسان است به توجیحات گوناگونی پرداخته‌اند ولی محققاً نمی‌توان درباره منشأ و چگونگی پیدایش زبان و نخستین مراحل آن با قطعیت سخن گفت اما تا اندازه‌ای می‌توان گفت که کاربرد زبان نزد انسان پدیده انسانی بسیار کهن می‌باشد.

زبان بی‌شک از ابتدای پیدایش «انسان خردمند» و یا «هومو ساپینس»^۱ به نوعی وجود داشته و به تدریج به عنوان یکی از وسایل اصلی برای زندگی اجتماعی، پیشرفت کرده، شکل گرفته و بصورت گروه‌های دور و نزدیک به همدیگر و زبان‌ها و لهجه‌های کنونی درآمده است که بعضی‌ها به همدیگر نزدیک‌تر و برخی از همدیگر دورتر هستند.

در این مقاله سعی بر آن شده که درباره پیدایش زبان، انواع زبان‌ها، انواع نظریه‌ها درباره سرچشمه آواها، پیدایش زبان در تاریخ ایران و انواع زبان‌ها و لهجه‌ها در ایران پرداخته شود.

کلیدواژه

زبان، کهن، انسان خردمند، هومو ساپینس، اجتماعی، آواها، تاریخ.

مقدمه

سخن گفتن یا استفاده از زبان گفتاری با حدود یکصد هزار سال قدمت، در پیشینه انسان‌ها پدیده‌ای جوان محسوب می‌شود. چنانکه گفته می‌شود نیاکان انسان از یک و نیم میلیون سال پیش وجود داشته‌اند و انسان‌های امروزی یا هومو ساپینس هم از ۲۵۰ هزار سال پیش روی زمین زیسته‌اند. همچنین گفته می‌شود انسان‌ها ۵۰۰ هزار سال پیش شکار می‌کرده‌اند.

و ابزارهای شکار انسان‌های کهن با قدمتی ۴۰۰ هزار ساله در شونینگن^۲ آلمان کشف شده است. نخستین نشانه‌های کشف شده از مذهب یا آیین‌های مذهبی به ۱۶۰ هزار سال پیش در اتیوپی باز می‌گردد؛ جایی که استخوان جمجمه دو انسان بالغ و یک کودک با نشانه‌های دست‌زدن‌ها و پاک کردن‌ها و جلادادن‌های بسیار به همراه آذین و آرایش و علامت‌هایی به شکل خراش پیدا شده است. آدمیزاد از ۱۰۰ هزار سال پیش ماهیگیری را تجربه کرده و این زمانی است که دانشمندان تصور می‌کنند استفاده از زبان گفتاری حتمی بوده است. قدیمی‌ترین ابزارهای کشف شده ماهیگیری که از استخوان ساخته شده بودند بین ۸۰ تا ۹۰ هزار سال پیش توسط انسان‌های ساکن کاتاندا^۳ در جایی که امروز جمهوری دموکراتیک کنگو است استفاده می‌شد. قدیمی‌ترین نیزه‌ها نیز احتمالاً بین ۴۰ تا ۵۰ هزار سال پیش استفاده شده است. انسان‌ها از نیزه برای شکار یا دفاع گروهی استفاده می‌کردند و این کار گروهی با توجه به ویژگی‌های انسانی (نوآوری و طراحی) بی‌شک نیازمند سخن گفتن بوده است.

تعریف زبان

زبان وسیله‌ای است که برای رابطه، تفاهم و انتقال پیام بین آدمیان به وجود آمده است مانند دیگر موجودات زنده و حتی جمادات که هر کدام برای ایجاد رابطه، زبان ویژه‌ی خود را دارند.

همچنان دانشمندان و علمای باستان‌شناس درباره پیدایش زبان در میان انسانها عقاید مختلفی ابراز داشته‌اند.

عده‌ای معتقدند که

۱- زبان نقش اساسی در تکامل فرهنگ داشته است و در اثر روابط اجتماعی به وجود آمده و سپس بوسیله آن آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر منتقل گردید.

۲- عده ای دیگر معتقدند که بشر از اول، هر چیزی را که میدید نامی برایش می نهاد و این نام گذاری اتفاقی و تصادفی نبود و هیچ رابطه ای با کیفیت پدیده ها نداشته ، اینها هم نتوانسته اند توضیح دهند که بشر به وسیله چه عاملی هر چیز را میدید و نامی برایش میگذاشته است *

در دو قرن پیش راجع به زبانها و خانواده آنها تحقیقات جالبی به عمل آمد که از جمله آنها خانواده زبان هندی و اروپایی که گسترش بسیار در تمام دنیا دارد و به وسیله باستان شناسان شناخته شد و تعداد آنها را بالغ بر ۴۰۰۰ زبان دانستند.

زبان هند و اروپایی و سانسکریت ، ریشه زبانهای اروپایی و ایرانی و هندی میباشد.

آن دسته از زبانها که ابتدایی هستند از قبیل چینی، آنها را زبان هجایی یا سیلابی گویند.

دسته دیگر که زبانهایی هستند که کلماتشان بهم می چسبند و زبان های بسیاری را شامل می شود از قبیل ترکی وغیره.

دسته سوم زبانهای فارسی اروپایی و عربی است.

■ انواع زبان از دیدگاه زبان شناسان

۱- دسته اول - زبانهای یک هجایی یا یک سیلابی این نوع زبان را دیشکی نیز گفته اند مانند زبانهای چینی - آنامی - سیامی - که تعداد واژه گان آنها محدود است و واژه گان را برای بیان مطالب پس و پیش میکنند.

۲- دسته دوم - زبانهای بهم چسبیده که زبان معمول مردم اورال ، آلتایی ، ژاپنی ، کره ای ، دراویدی ، وباسک ، بومیان امریکا ، مردم جنوب مصر، سیاه پوستان آفریقا و مردم استرالیا است.

۳- دسته سوم - زبانهای پیوندی که به نظر گروهی تکامل یافته زبان سیلابی و التصاقی است.

این زبان پیوندی ، علاوه بر تغییر کلمات به آخر و یا به اول آن حروف و پیشوندها و پسوندهایی اضافه می شود و به چند شعبه نیز تقسیم می شود.

■ انواع زبان های اصلی

۱- زبان های هند و اروپایی شامل الف - زبان لاتین ، که در کشور های ایتالیا ، فرانسه ، اسپانیا ، پرتغال و امریکای لاتین بدان تکلم می شود.

ب - زبان جرمنی ، شامل انگلیسی ، آلمانی ، نروژی ، دانمارکی ، هلندی ، بلژیکی ، سویسی وغیره می باشد.

پ - زبان اسلاوی ، که زبانهای روسی ، پولندی ، اوکراینی ، چکسلواکی ، یوگسلاوی ، بلغاریایی ، رومانیایی و قسمت های زیاد از شرق اروپا را شامل میشود.

ت - زبانهای هند و ایرانی و یونانی ، شامل زبانهای هندی ، بنگالی ، فارسی ، ارمنی ، یونانی می شود.

۲- زبانهای سامی و حامی ، که زبان سامی شامل مردمان عرب خاورمیانه و یهود عبری و زبان حامی شامل زبان مردمان عرب و شمال آفریقا میشود.

۳- زبانهای چینی و ژاپنی که از نظر تکلم اکثریت داشته و شامل منطقه آسیای شرقی میشود.

۴- زبان ماله ای شامل مردمان جنوب شرقی و جزایر اقیانوس آرام میشود.

۵- زبانهای گروه کلدانی ، آرامی ، سریانی ، فنیقی که در واقع زبانهای قدیمی بوده و فقط برخی واژه گانی از آنان وارد زبانهای رایج فعلی گردیده اند.

۶- زبان پارسی که خود از نظر ریشه جز زبانهای هند و اروپایی میشود و از ۷۰۰ سال قبل تاریخ روشن دارد که خود به چهار دسته تقسیم میگردد.

۱- فارسی باستانی یا فرس قدیم ۲- زبان پهلوی ۳- زبان ساسانی ۴- زبان فارسی دری.

■ سرچشمه آواهای طبیعت

انواع نظریه ها درباره سرچشمه زبان

- نظریه ی Ding-Dong

نظریه ی دینگ دانگ ، «نام آواها» را سرچشمه ی زبان بشر می داند. «نام آوا» (onomatopoeia)، نامی است که بر اساس آوای جسم مورد نظر انتخاب شده است. برای مثال در زبان فارسی، «شارش» و «شاریدن» در فیزیک، «شُرنا»، «شُریدن» و «شُرشُر کردن» در زبان عمومی، همگی از صدای مربوط به جریان آب یا اشیای سیال گرفته شده و هم ریشه اند. وز وز کردن، بَب کردن، و... هم از همین دسته اند.

این نظریه نمی تواند پیدایش واژگانی چون «سخره»، «دریا»، «مادر»، «پدر»، و نیز واژگان انتزاعی در زبان را توضیح دهد و در نتیجه مورد پذیرش همگان نیست.

- نظریه ی Bow-Bow

این دیدگاه در در ارتباط نزدیک با نظریه ی دینگ دانگ و البته محدودتر از آن است و سرچشمه ی زبان ها را تقلید از « نام آوا»های حیوانات می داند. بدیهی است که این نظریه از دیدگاه پیشین هم کم اعتبارتر است.

- نظریه ی Pooh-Pooh

بر اساس این نظریه، نخستین واژگان همه ی زبان ها، کلمه هایی برخاسته از آواهای مربوط به احساسات انسان بوده است.



هواداران این دیدگاه، بر این باورند که آوایی همچون ناله ی ناشی از درد، خنده ی ناشی از شادی، گریه ی ناشی از غم و... تکامل یافته و واژگان در زبان را بوجود آورده اند.

- نظریه ی Ta-Ta

«چارلز داروین» معتقد است زبان انسان، تقلیدی گویشی از ایما و اشاره هایی است که پیش از پیدایش زبان گفتاری در میان انسان وجود داشته است. برخی پژوهش ها هم این نظریه را تایید می کند، اما اشکال اینجاست که:

(۱) این دیدگاه، زمانی قابل پذیرش است که بپذیریم پیش از پیدایش زبان، انسان ها از زبان بسیار پیشرفته ی ایما و اشاره بهره مند بودند.
(۲) استفاده از این زبان تنها در روز ممکن بود و انسان ها یا نباید در شب با یکدیگر ارتباط می داشتند و یا باید برای سخن گفتن حتما آتش روشن می کردند.

- نظریه ی Uh-Oh

«آ-او» آوایی است که انگلیسی زبانان در هنگام بروز خطر یا اشتباه بر زبان می آورند. نظریه ی یادشده این دیدگاه را مطرح می کند که نخستین واژگان در زبان ها، با نمادهایی برای هشدار آغاز شده است: هشدارهایی در مورد نزدیکی حیوان وحشی، خطر، مالکیت خصوصی، و...

اما این نظریه، همچنان نمی تواند وجود واژگان انتزاعی در زبان را توضیح دهد.

- نظریه ی Yo-He-Ho

طبق این نظریه، زبان در آغاز با نواها و آوازهای دست جمعی در هنگام کار بوجود آمده است. البته توضیح ایجاد ارتباط میان معنا و آواز دست جمعی انسان های نخستین دشوار است. همچنین به نظر می رسد که آواز دست جمعی کارگران، بیشتر، می تواند آغاز پدیده ی شعر در زبان باشد و نه خود زبان.

■ پیدایش زبان ها در تاریخ ایران

در تاریخ ایران هر چقدر عقب برویم خواهیم دید که ابتدا عیلامی (ایلامی)، دو سه هزار سال بعد زبان های ایرانی و گونه های آن، بعد ترکی و بعد عربی در مراحل مختلف تاریخ از طریق اقوامی که به این یا آن منطقه ایران آمده اند در این سرزمین رواج پیدا کرده اند.

درست است که احتمالاً در ابتدا، اگر بتوان اصولاً ابتدایی را نقطه حرکت قرار داد، زبان افراد و قبیله ها تا حدی نشانه تعلقات معین قومی آن ها هم بوده است. اما بعد از گذشت چند نسل و آمیزش های قومی، دیگر زبان مادری از حالت مشخصه قومی افراد بیرون می آید.

از این رو در بررسی ابتدای زبان ها بررسی تاریخی و زبان شناختی بموازات همدیگر پیش می رود. وقتی در منطقه ای مثل چندین نمونه و بطور غیر تصادفی مثلاً از زبان سُغدی یافت می شود که یک زبان ایرانی در آسیای میانه بوده، گمان بر آن می رود که احتمالاً سغدیان، یعنی شاخه شمال شرقی ایرانیان در آنجا زندگی نموده اند و بر عکس، وقتی در تاریخ می خوانیم که فلان جا ترک ها زندگی می کردند حدس غالب بر آن است که اگر این مثال ها بیش از یکی دو مورد و سیستماتیک باشند، احتمالاً در آن منطقه زبان ترکی رواج داشته است.

در اینجا ضمناً باید به تفکیک دو تعبیر دقت کرد: منظور از «زبان های ایران» همه زبان هایی هستند که صرف نظر از ریشه، ساختار و گروه بندی علمی آن ها، عملاً در جغرافیای ایران کنونی تکلم می شدند و می شوند. این زبان ها می توانند از نظر زبان شناختی به گروه ها و یا خانواده های مختلف زبانی تعلق داشته باشند. از این جهت در یک گروه مثلاً: فارسی، کردی، بلوچی، تاتی، تالشی، گیلکی، لری و ارمنی، در گروه دیگر ترکی آذری، ترکمنی، قشقایی و خلجی، در گروه سوم: عربی، در گروه چهارم آسوری و غیره همه و با همدیگر «زبان های ایران» را تشکیل می دهند یعنی همه زبان هایی که در ایران از طرف مردم ایران به عنوان زبان مادری و یا زبان نخست تکلم می شدند و می شوند.

در ایران باستان هم مثلاً زبان های فارسی، سُغدی، ایلامی، آرامی، آسوری و یا سومری و یونانی تکلم می شد که با وجود فرق های ساختاری بین این زبان ها، همه آن ها «زبان های ایران» محسوب می شدند. اما در زبان شناسی یک گروه بندی ساختاری هم وجود دارد که طبق آن زبان هایی که به درجات مختلف به همدیگر نزدیک هستند جزو یک گروه و یا «خانواده» با زیر گروه های گوناگون محسوب می شوند. برای مثال فارسی استاندارد و معیار ایران، کردی، تاتی، تالشی، بلوچی، گیلکی، زازا، لری و یا مازندرانی و اگر به خارج از ایران نگاه کنیم دری افغانستان، تاجیکی، یغناپی و پشتودر یک گروه «زبان های ایرانی» جمع می شوند.



■ زبان فارسی و قانون اساسی

قانون اساسی ایران زبان ملی را از طریق اعلام زبان فارسی به عنوان زبان میانجی مشخص می کند. این زبان به عنوان زبان میانجی، برای برقراری ارتباط رسمی دولتی و سیستم های مدارس دولتی مورد استفاده قرار می گیرد. حدود ۵۳ درصد جمعیت، زبان فارسی را به عنوان زبان مادری شان استفاده می کنند.

همان طور که عنوان شد، ایران یک کشور چند فرهنگی و چند زبانه است. به همین ترتیب، تعدادی از زبان های دیگر در شهرستان ها استفاده می شوند، از جمله

زبان	درصد
۱ زبان ترکی و گویش های آن	توسط ۱۸ درصد از جمعیت صحبت می شود
۲ کردی	۱۰ درصد
۳ گیلکی و مازندرانی	۷ درصد
۴ لری	۶ درصد
۵ عربی	۲ درصد
۶ بلوچ	۲ درصد

یکی از رایج ترین زبان های ترکی که در ایران صحبت می شود، آذربایجانی است. این زبان متعلق به شاخه ی زبان های اوغوز از خانواده ی زبان های ترکی است و مربوط به ترکی و تاتارهای کریمه است. اکثر کسانی که به این زبان صحبت می کنند در منطقه ی شمال غربی ایران، به نام آذربایجان ایران متمرکز شده اند. از زمانی که امپراتوری روسیه این منطقه را شکست داد و این ناحیه را تقسیم کرد، این مردم بین آذربایجان ایران و جمهوری آذربایجان تقسیم شده اند.

زبان کردی توسط کردها صحبت می شود. این زبان متعلق به زیرگروه زبان خانواده ی هندو اروپایی است و در غرب و شمال غربی ایران استفاده می شود. گرچه این زبان در منطقه ی غربی این کشور متمرکز است، اما دارای ویژگی های مشابه با زبان فارسی است که در منطقه ی جنوب غربی ایران متمرکز است.

در زبان شناسی، زبان ارمنی هم، شاخه ویژه ای از زبان های ایرانی به شمار می رود.

البته عربی، ترکی و یا مثلاً آسوری هم امروزه در ایران از سوی بخشی از مردم به عنوان زبان نخست تکلم می شوند و از این جهت به آنها هم «زبان های ایران» می گوئیم. اما این زبان ها از نظر ساختاری جزو زبان های «ایرانی» و یا «هند و ایرانی» و کلا «هند و اروپایی» نیستند. یعنی وقتی «زبان های ایرانی» می گوئیم منظور فقط شاخه «ایرانی» زیر گروه «هند و ایرانی» خانواده «زبان های هند و اروپایی» است که فارسی هم گونه اصلی و معیار زبان ها در ایران است و از نظر زبان شناسی و تاریخی هم با همین عنوان و طبقه بندی یعنی زبان های ایرانی، گروه زبان های ایرانی، مورد قبول اهل علم است.

این مثل آن است که می گوئیم کردی یکی از زبان های کنونی ترکیه است اما جزو «زبان های ترکی» نیست، تاتاری و یا کره ای هر دو جزو «زبان های روسیه» هستند اما زبان روسی نیستند و یا مانند زبان روسی جزو زبان های «هند و اروپایی» نیستند. یا اینکه اویغوری (یکی از شاخه های زبان های ترکی) یکی از زبان های چین است اما زبان و یا گونه ای از زبان های مرتبط با چینی نیست.

■ زبان رسمی ایران

با وجود طیف گسترده ای از تفاوت ها در میان جمعیت ایران، تنها یک زبان رسمی دارد:

۱. فارسی

و بیش از ۵۰ درصد از جمعیت کشور به زبان فارسی صحبت می کنند.

زبان فارسی که به عنوان پرشن نیز شناخته می شود، متعلق به خانواده ی زبان هندو اروپایی است و بخشی از زیرشاخه ی هندوایرانی محسوب می شود. فارسی در زبان قدیمی امپراطوری هخامنشی و بعد در فارسی میانه ی امپراتوری ساسانی ریشه دارد. این زبان در عین حال زبان رسمی تاجیکستان و افغانستان است.





این زبان به ۳ گروه تقسیم می‌شود: کردی شمال، که در منطقه شمال غربی صحبت می‌شود؛ مرکزی که در استان کردستان صحبت می‌شود؛ و جنوب، که در استان کرمانشاه و ایلام صحبت می‌شود.

■ برخی دیگر از زبان‌های ایرانی که در اقلیت هستند

ایران علاوه بر زبان‌های رایج کشور، دارای چند زبان دیگر هم است که توسط درصد کمی از جمعیت صحبت می‌شود. این زبان‌ها که در اقلیت هستند عبارتند از: زبان چرکسی، عبری، ارمنی، آسوری، گرجی. این زبان‌ها همگی روی هم توسط کم‌تر از ۱٪ از کل جمعیت ایران استفاده می‌شوند. چرکسی یک زبان قفقازی در شمال غربی است. عبری، که توسط جمعیت کوچک یهودیان استفاده می‌شود، متعلق به خانواده‌ی زبان آفریقایی آسیایی و زیرشاخه‌ی کنعانی است. ارمنی یک زبان هندو اروپایی است و تا حد زیادی توسط زبان‌های ایرانی تحت تاثیر قرار گرفته‌است، به طوری که برخی از زبان‌شناسان بر این باور هستند که این دو زبان زمانی یکسان بوده‌اند. آسوری، مانند عبری، یک زبان آفریقایی آسیایی است، اگر چه به زیر گروه آرامی شمال شرقی تعلق دارد. این زبان را می‌توان در سراسر منطقه‌ی ارومیه در شمال غربی ایران شنید. زبان گرجی، یکی از زبان‌های کارتولی، توسط افرادی از گرجستان که به ایران مهاجرت کرده‌اند صحبت می‌شود.

■ فهرست زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی



با توجه به ترکیب نژادی و تنوع اقوام در ایران، می‌توان گفت بیش از ۷۵ زبان و گویش و ۱۳۴ لهجه در کشور رایج است. زبان و گویش یکی از مهم‌ترین ابزار انتقال پیام برای برقراری ارتباط متقابل بین انسان‌ها محسوب می‌شود و دارای کارکردهای مهمی چون: ایجاد تفاهم و ارتباط، بیان عقاید، انتقال متقابل اطلاعات و فرهنگ سازی به این معنی که با زبان فرهنگ به وجود می‌آید و به نسل‌های آینده منتقل می‌شود، می‌باشد

گویش‌ها شاخه‌هایی از یک زبان واحد هستند، مانند: گویش‌های فارسی، تاتی، کردی، بلوچی، مازندرانی، گیلکی، لری و گویش‌های دیگری که از خانواده‌ی زبان‌های هندو اروپایی هستند و حدود ۵۰ درصد مردم ایران به این گویش‌ها صحبت می‌کنند. با این وجود، عمده‌ترین گویش‌های رایج در ایران: ترکی آذری، کردی، ترکمنی، گیلکی، مازندرانی، خلجی، تالشی، لری، عربی، بلوچی، دیلمی، تاتی، ارمنی، آشوری، عبری، کلدانی و گرجی هستند. ولی زبان رسمی کشور، براساس اصل پانزده قانون اساسی ایران، زبان فارسی می‌باشد.

البته باید گفت که زبان‌های رایج در ایران در برخی مناطق دارای لهجه‌های مختلفی است که مختص مناطق جغرافیایی کشور است. به عنوان مثال: زبان فارسی دارای گویش‌هایی چون گیلکی، مازندرانی، کردی، لری، بلوچی و غیره می‌باشد.

از میان ۱۳۴ لهجه موجود در زبان ایرانی، برخی از لهجه‌ها در میان عوام شناخته شده‌اند و برخی دیگر کمتر شناخته شده‌اند.



- سو: سوای لهجه اهالی سود میان اصفهان و کاشان است که غالباً با لهجه قهرودی توأمأ مورد مطالعه قرار گرفته است.

- سیوندی: لهجه اهالی سیوند در شمال شیراز است.

- سیدی: از لهجه‌های کردی است.

- قهرودی: در میان ساکنان قهرود از توابع کاشان متداول است.

- کُمجی: لهجه است که در شهر قم رواج دارد.

- کسمائی: لهجه‌ای است از گروه لهجه‌های گیلان.

- کشه‌ای: از لهجه‌های مرکزی ایران است که اهالی دهستان کشه از توابع کاشان به آن تکلم می‌کنند.

- گروسی: یکی از لهجه‌های کردی است، این زبان بیشتر در مناطق بیجار گروس تکلم می‌شود.

- گزی: لهجه‌ای است که در میان ساکنین قریه گز از توابع اصفهان متداول است.

- گندوله‌ای: از لهجه‌های کردی است.

- گورائی: یکی از اساسی‌ترین لهجه‌های کردی است.

- نائینی: لهجه اهالی نائین است.

- نطنزی: لهجه اهالی نطنز از توابع کاشان است.

- نوشکی: یکی از لهجه‌های رایج در بلوچستان است.

- هرزندی: لهجه‌ای است که در قسمتی از آذربایجان شرقی معمول است.

- هفت لنگی: از لهجه‌های گروه بختیاری است.

- یارندی: لهجه‌ای است که در قریه یارنداز توابع کاشان گفتگو می‌شود.

- یهودی اصفهان: لهجه اهالی یهودی اصفهان است.

- یهودی تاتی: لهجه اهالی یهودی قفقاز است.

- یهودی سمرقند: لهجه اهالی یهودی سمرقند و بخارا است.

- یهودی کاشان: لهجه اهالی یهودی کاشان است.

- یهودی همدان: لهجه‌ای است که از زبان‌های ایرانی قدیم باقی‌مانده‌است و یهودیان همدان بدان گفتگو می‌کنند.

■ برخی از لهجه‌های شناخته شده در ایران

اصفهانی، بختیاری، بیرجندی، تاتی، تجربی، جوشقانی، خراسانی، خلخال، دزفولی، سبزواری، سمنانی، سنندجی، شیرازی، کرمانشاهی، گیلکی، لاهیجانی، لری، لکی، مریوانی، یزدی،

■ برخی از لهجه‌های ناشناخته در ایران

- آمادیه‌ای: یکی از لهجه‌های کردستان غربی است که در شمال عراق فعلی رایج است.

- ارشری: یکی از لهجه‌های ایرانی پامیر است.

- ارموری: ارموری یا برکی لهجه مردم بعضی از نقاط افغانستان شرقی و سرحد هند و بخصوص در

نواحی وزیرستان است.

- اشکشمی: یکی از لهجه‌های ایرانی نواحی کوهستانی پامیر است و در شرق‌ترین نواحی

شمال افغانستان هم کم و بیش رواج دارد.

- اورامانی: یکی از لهجه‌های کردی است.

- باصری: یکی از گویش‌های فارسی است.

- باجلانی: یکی از لهجه‌های کردی است.

- چهارلنگ: لهجه‌ای است فرعی از گروه

بختیاری

- خوری: لهجه ساکنان شهر قدیمی خور است که در مرکز شهرستان خور و بیابانک قرار دارد.

- سدهی: لهجه اهالی سده اصفهان است.

- سرخه‌ای: از لهجه‌های ایرانی وابسته به

سمنانی است.





ایجاد آرشیو محتوای آموزشی در مواقع بحران

مصاحبه با آقای دکتر غلامرضا عزیزی

حدیثه افضلی پور

دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد- ورودی ۹۸

afzalipourhadis@gmail.com

سال ششم، شماره هفتم (پیاپی ۳۷)، پاییز ۱۳۹۹

11

دنیا اسنادی را همه ساله تولید و دریافت می‌کنند که به صورت بالقوه منبع بزرگی از داده‌های تاریخی را تشکیل می‌داد. مشخصات دانش‌آموزان، گزارش فعالیت‌های آنان و کارنامه‌های درسی، دفاتر انضباط دانش‌آموزان، سوابق تخلفات دانش‌آموزان و کادر آموزشی و اجرایی، پرونده‌های معلمان، برنامه‌های درسی کلاسها، دفاتر حضور و غیاب (دانش‌آموزان و کادر اجرایی و آموزشی)، فهرست‌های نمرات کلاسی (معلمان)، دفاتر ثبت نمرات (مدرسه)، مکاتبات افراد و موسسه‌ها با مدرسه و بالعکس، صورت درآمدها و ریزه‌زیننه‌ها، مکاتبات مربوط به بازدیدها و اردوها، شرکت در برنامه‌های فرهنگی، مشارکت در مسابقات ورزشی مدرسه یا بین مدارس، صورت جلسات انجمن اولیا و مربیان و صورتجلسات شورای آموزگاران از جمله اسنادی هستند که به صورت عام در مدارس تولید یا دریافت می‌شوند.

از سوی دیگر برخی مدارس به خاطر شرایط خاص و یا نحوه مدیریت و ارائه خدمات ویژه، اسنادی بیش از آنچه گفته شد را تولید می‌کنند. برای مثال در مدارس شبانه‌روزی اسناد و مدارکی نظیر برنامه غذایی هفتگی، هزینه‌ها و فعالیت‌های خدماتی موجود کادر اجرایی، یا برخی مدارس که در برنامه و سیاست‌های خود مشارکت در مسابقات بین مدارس و المپیادهای دانش‌آموزی را گنجانده‌اند، حاوی اسنادی در خصوص سیاست‌ها و نحوه عملیاتی کردن و اجرایی کردن این امور و نتایج آن هستند؛ یا مدارسی که ساعات فوق برنامه دارند در برخی موارد مواد آموزشی بیش از کتاب‌های درسی را دارا هستند که منجر به تدوین جزوات یا گردآوری منابع کمک آموزشی شده است.

به یاد بیاوریم در برخی از کشورهای دنیا مدارس دارای سوابق چند صد ساله هستند. در این صورت دارای شمار فراوانی از اسناد و سوابقی هستند که در بررسی‌ها و پژوهش‌ها به‌ویژه شناخت تاریخ خانواده و تاریخ محلی بسیار غنی و مهم است.

■ با سلام، پیشاپیش از وقتی که برای مصاحبه می‌گذارید سپاسگزارم.

۱. لطفاً خودتان را برای مخاطبان نشریه معرفی کنید...

■ غلامرضا عزیزی هشتم در سال ۱۳۷۰ از طریق آزمون عمومی استخدامی جذب سازمان اسناد ملی ایران شدم که در سال ۱۳۸۱ با کتابخانه ملی ایران ادغام شد و اینک نزدیک ۲۹ سال است که توفیق خدمت در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران را دارم. رشته تحصیلی من ابتدا تاریخ و پس از آن فرهنگ و زبانهای باستانی و مجدداً تاریخ است؛ اما بیش از یک‌هزار ساعت دوره آموزشی داخل و خارج از کشور در زمینه مدیریت اسناد و اداره امور آرشیو داشته‌ام. هم‌اکنون در پژوهشکده اسناد سازمان خدمت می‌کنم و علاوه بر آن دبیر کمیته متناظر فنی ۱۷۱ با عنوان فرآیندهای مدیریت اسناد در سازمان ملی استاندارد ایران هستم.

از اوایل دهه ۱۳۸۰ آثاری به صورت کتاب و مدخل دانشنامه‌ای و مقاله تالیف و ترجمه و در بیش از ۲۰ همایش ملی و دو همایش بین‌المللی خارج از کشور سخنرانی کرده‌ام که بیشتر آن‌ها در موضوع آرشیو و مدیریت اسناد و تاریخ شفاهی است.

۲. در ابتدا بفرمایید منظور از آرشیو مدارس چیست و چه تعریفی برای آن دارید؟

■ ببینید به طور کلی باید از دو جنبه به مسئله نگاه کنیم مسئله اول این است که مدارس در سراسر



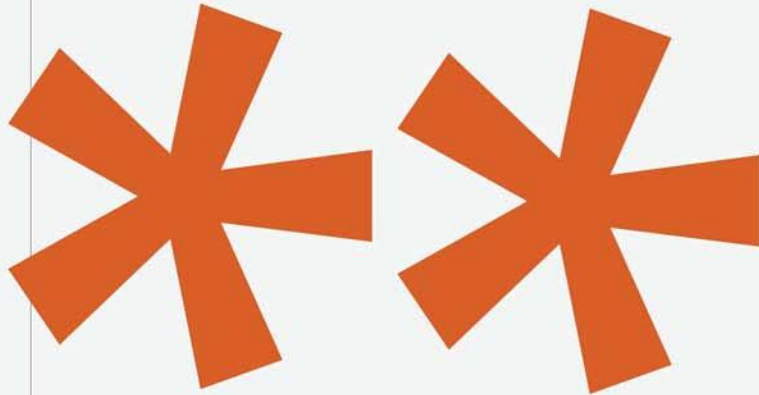
۳. آیا در مدارس ایران، آرشیوی به نام آرشیو مدارس راهاندازی شده است؟

تا آنجا که می‌دانم چندین مدرسه و مرکز آموزشی قدیمی اسناد خود را نزد خود نگهداری می‌کنند (مثل اسناد مربوط به دارالفنون یا مدرسه سعادت بوشهر) که بیشتر کارکرد بایگانی یا رویکرد موزه‌ای را دارد؛ چرا که در واقع انطباق آنها با آرشیو در معنای تشکیلات سخت است. همان‌گونه که می‌دانید آرشیو در زبان فارسی دست کم در ۵ معنی گوناگون به کار رفته است (سازمان و تشکیلات آرشیو؛ مخزن آرشیو؛ ساختمان آرشیو؛ آرشیو نشریات و فیلم، رشته درسی).



۴. به نظر شما آرشیو مدارس چه قابلیت‌هایی باید داشته باشد؟

شاید از بُعد شخصی این سؤال را پرسیده باشید. من اعتقاد دارم اسناد تا زمانی که دارای ارزش اولیه هستند و مورد نیاز دستگاه دولتی یا وابسته به دولت (که در پرسش شما به مدارس بازمی‌گردد) باید در همان موسسه باشند و بعد از گذشت نسخ ارزش‌های اولیه باید به آرشیو ملی منتقل شوند پس بحث آرشیو مدارس (به صورت سنتی) و بالتبع قابلیت‌های آن از دیدگاه من منتفی است. اما از یک سو بالاخره برخی مدارس هستند که از بودجه عمومی دولت استفاده نمی‌کنند و خصوصی هستند و امکان این را دارند که در صورت تمایل آرشیوی تشکیل دهند که داشته‌های باارزش نگهداری طولانی‌مدت خود را گردآورند. البته در این فرض هم برای موسسات خصوصی ایجاد آرشیو مدارس مقرون به صرفه نیست زیرا بالطبع هر سازمان و ساختاری که نام آرشیو را بر خود داشته باشد نیازمند تهیه الزامات آن نیز هست و باید شرایط و مقدمات تاسیس آرشیو را فراهم کند (ساختمان، تجهیزات، فکرافزار، نرم‌افزار، سخت‌افزار و نیروی انسانی متخصص).



از سوی دیگر انقلاب الکترونیکی باعث شده است که مسئله آرشیوهای رقمی مطرح شود. در این فرض همه مدارس می‌توانند ضمن رعایت قوانین و مقررات و انتقال اصل اسناد خود به آرشیو ملی، دست به ایجاد آرشیو رقمی خود نیز بزنند. در این صورت هزینه‌های ایجاد آرشیو رقمی مدارس بسیار مقرون به صرفه‌تر و از نقطه نظر ایجاد آن، اجرایی‌تر خواهد بود.

در فرض دوم با بررسی و تعیین تکلیف اسناد می‌توان اسناد را به صورت رقمی در پایگاه آرشیو مدارس بارگزاری کرد. حال اینکه چه اسنادی قابلیت آرشیو شدن را دارند بحث مفصل و زمان دیگری را می‌طلبد.



۵. به نظر شما با چه ضرورتی باید به ایجاد آرشیو محتوای آموزشی در مواقع بحران پرداخت؟

بحث مدیریت بحران با آرشیوهای مدارس کمی متفاوت است. هر کدام برنامه‌های جدایی هستند که امکان اتصال آنها در یک نقطه باید به وجود بیاید. چطور؟ فرض کنید بحث آموزش از راه دور در برخی از کشورها به دلیل نیازی که داشته‌اند بحث جدیدی نیست. در کودکی برنامه تلویزیونی را می‌دیدم که طی آن دانش‌آموزی در یکی از مزارع استرالیا از طریق بیسیم در کلاس درسی شرکت می‌کرد. یا دوره‌های آموزشی که تا قبل از پاندمی کرونا در برخی موسسات به صورت غیر حضوری و از طریق سامانه‌هایی از قبیل LMS برگزار می‌شد. پس در دنیا تجربه و سابقه آموزش از راه دور وجود داشت و برنامه‌ریزی‌های متناسب با آن، هم موجود بود و هم آزموده شده بود؛

اما برخی کشورها به نظر نمی‌رسید آمادگی این وضعیت را داشتند. در برخی از کشورها از جمله ایران سابقه آموزش و پرورش نوین حول و حوش یک سده است و تجربه قبلی دنیا از ظهور پاندمی به ۱۹۱۸ میلادی و آنفلوآنزای اسپانیایی بازمی‌گردد و از این رو در برنامه‌های بحران مدارس ما ظاهراً همچنین واقعه‌ای پیش‌بینی نشده بود و به همین دلیل است که سال تحصیلی گذشته به نظر من به‌سختی و با بی‌برنامگی اولیه پایان یافت.

با تجربه کنونی باید آموزش غیرحضوری به عنوان یکی از سناریوهای مدیریت بحران مدارس گنجانده و همه ساله بازبینی و در صورت امکان به‌روز و مطابق فناوری‌های موجود قابل ارائه و به صورت تعاملی قابل دسترس بشود. همان‌گونه که محتوای آموزشی به صورت یکپارچه و در سازمان تدوین و تالیف کتب درسی (یا همچنین اسمی) به صورت سراسری تهیه و توزیع می‌شود پس به نظر می‌رسد محتوای آموزشی زمان بحران نیز نیازمند استفاده از این سازوکار قبلاً استفاده و آزموده شده است.



۶ با توجه به اینکه این شماره از نشریه به آرشیو مدارس می‌پردازد به نظر شما آرشیو مدارس چه نقشی می‌تواند در محتوای آموزشی در مواقع بحران داشته باشد؟

■ به نظر من نقش آرشیو مدارس حتی در صورت وجود برای تامین محتوای آموزشی در مواقع بحران چندان جدی نخواهد بود. در بحران‌های کوچک در حد خود مدرسه، مدارس دیگر منطقه می‌توانند دانش‌آموزان را تحت آموزش خود دریاورند. در بحران‌هایی که در سطح یک شهر رخ دهد شهرهای مجاور و معین و وزارت آموزش و پرورش می‌توانند با برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت به مدیریت این بحران‌ها بپردازند. اما مجری برنامه‌های مدیریت بحران‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و تامین محتوای مورد نیاز نظام آموزشی نیازمند برنامه‌ریزی مستمر و در سطح ملی است.



۷. به عنوان سوال پایانی، به نظر شما نتایج مورد انتظار از ایجاد آرشیو محتوای آموزشی در مواقع بحران چیست؟

■ آرشیو محتوای آموزشی در سطح کلان بی‌تردید تامین‌کننده محتوای نیازهای آموزشی همه دانش‌آموزان کشور خواهد بود. البته همچون دیگر جنبه‌های مدیریت بحران به شرط بازبینی و اصلاح مداوم.



با سپاس از همکاری شما و با آرزوی سلامتی و موفقیت روزافزون

■ من هم از شما و همکاران محترمان تشکر می‌کنم و آرزوی تداوم و تحول مداوم در نشریه‌تان را دارم





ترجمه : حفاظت از گذشته : آرشیو کردن در کتابخانه مدرسه

الهام محمدابراهیم

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات آرشیوی دانشگاه الزهراء(س) - ورودی ۹۷

e.mohammadebrahim@gmail.com



و استفاده از منابع اولیه در زمینه های مختلف برنامه درسی.

نمونه ای از اهمیت نگهداری و مدیریت آرشیو مدارس توسط مدرسه دولتی سوت گرافتون ، که اخیرا مراسم جشن خود را جشن گرفته است. ماهها برنامه ریزی و تهیه توسط کتابدار معلم ، کارمندان فعلی و کارمندان سابق ، والدین و افراد داوطلب جامعه برای تهیه آرشیو مدرسه برای نمایش در کتابخانه مورد نیاز بود. مهم این بود که کتابخانه مدرسه برای نمایش آرشیوها انتخاب شود زیرا فضایی پویا برای گردهمایی همه اعضای جامعه مدرسه ای گسترده تر برای آموزش ، تحقیق ، اطلاعات ، نوآوری و شادی است.

در روزی که جشن دبیرستان برگزار شد و هنگامی که مهمانان زیادی جمع شدند ، خاطرات اوقات خود را در مدرسه با دوستان و معلمان به یاد می آوردند و به مرور زمان در میان عکس ها ، یادگاری ها و واقعیت ها ، کتابخانه فعالی بود. جامعه مدرسه از دیدن عکس های قدیمی ، لباس فرم مدرسه ۱۹۵۰ ، آثار هنری ، جداول زمانی که بر دیوارهای کتابخانه

آرشیو مدارس یکی از عناصر اساسی و مهم تاریخ هر مدرسه است. آرشیو ها ممکن است حاوی اسناد ، لباس فرم ، عکس ، نقشه ساختمان ، فیلم و مبلمان باشند. این موارد مهم فرهنگی ، اجتماعی ، تاریخی ، حقوقی و آموزشی است. در بسیاری از مدارس ، مدیر آرشیو اغلب نقش آرشیو را به کارمندان کتابخانه واگذار می کنند. اگرچه شاید تعداد معدودی از کتابداران معلم و کارمندان آموزش دیده کتابخانه در آموزش رسمی خود جنبه های خاصی از مدیریت آرشیو را مطالعه کرده ، اما بیشتر آنها موضوعاتی را که با آن همپوشانی دارند مطالعه می کردند. این موضوعات اصلی ممکن است شامل موضوعات توسعه مجموعه و امحا باشد. انتخاب و مدیریت منابع ؛ فهرست نویسی ؛ حفاظت از منابع ؛ مدیریت کارکنان ؛ کار با همه اعضای جامعه مدرسه از جمله داوطلبان ؛ آگاهی از ملاحظات اخلاقی و حریم خصوصی ؛ سواد کامپیوتری ؛ تدوین و اجرای سیاست ها و رویه ها ؛ مهارت در استفاده از وب سایت ها ، برنامه ها و رسانه های اجتماعی



انجام وظیفه آرشیو، مسئولیتی است که کارکنان کتابخانه می‌توانند از آن استقبال کنند، زیرا آنها اغلب دارای مناسب‌ترین مهارت در جامعه مدرسه هستند. به کارمندان کتابخانه که آرشیویست مدارس نیز هستند، توصیه می‌شود که پیشرفت حرفه‌ای را انجام دهند و از مدارس با آرشیو گسترده بازدید کنند، ارتباط با کتابخانه‌ها و موزه‌های محلی و ایالتی، بحث در مورد آرشیو در جلسات گروه‌های مشاغل و ایجاد گروه علاقه‌ویژه به آرشیو مدارس و دعوت از متخصصان آرشیو برای سخنرانی از دیگر وظایف آرشیویست مدرسه است.

استفاده و ارتقا این مهارت برای رویدادی مانند سالگرد دبیرستان سوت‌گرافتون یک تجربه ارزشمند برای کتابدار معلم به عنوان آرشیویست بود. قبل از تعمیرات اساسی، مواد مختلف آرشیو همه با هم ذخیره می‌شدند. ولی بعد با مطالعه کتابچه راهنمای خط‌مشی و روش‌ها مخصوص آرشیو‌ها، مجموعه‌ای از یادگاری‌ها، عکس‌های واقعی، عکس‌ها و سایر منابع ارزشمندی که همه باید برای منافع آموزشی و اجتماعی حفظ شوند، اکنون توسط کتابدار معلمان با خیال راحت ذخیره و دسته‌بندی می‌شود. این آرشیو‌های منحصر به فرد و ارزشمند برای آینده محفوظ است و برای مراجعه و بازیابی آسان برای جامعه مدرسه در دسترس است.

منابع

وبسایت (schools catalogue information service, 2018)،
<https://www.scisdata.com/connec-tions/issue-107/preserving-the-past-becoming-the-archivist-in-the-school-library>
 از 15 مهر 1399، بازپایی شده در 15 مهر 1399، از

نصب شده بود و نمونه‌هایی از مواد آموزشی قدیمی و کتاب‌های دانش‌آموزان لذت می‌برند. آماده‌سازی آرشیو به یک بازنگری در کتابخانه منجر شد و می‌توان از کل مجموعه آرشیو، که در کتابخانه نگهداری می‌شود و توسط کتابدار معلم مدیریت می‌شود، به طور کارآمد محافظت شود. آرشیوها اکنون می‌توانند به راحتی به آنها اضافه و نگهداری شوند، برای فرصت‌های تدریس مورد استفاده قرار گیرند و در صورت لزوم اعضای جامعه به آنها دسترسی داشته باشند.

دیجیتال‌سازی و اثبات آرشیو مدرسه در آینده از عناصر اساسی و تعمیرات آرشیو قبل از ایجاد بود و مواردی است که همه کارکنان کتابخانه و آرشیو‌های مدرسه باید آنها را در نظر بگیرند. نگهداری کافی و ایمن از اشیاء گرانبها برای استفاده در آینده مسئولیت مهم آرشیو مدارس و کارکنان کتابخانه‌های مدارس است.



نگاهی به نقش آرشیویست مدرسه

کارشناسی ارشد مطالعات آرشیو ورودی ۹۸ سیده فاطمه سیدزاده
adineseyedzade@gmail.com

گروه علاقه مند ویژه آرشیو مدارس در سال ۱۹۸۵ تاسیس شد و یکی از فعال ترین انجمن های آ اس اس. سیج^۱ با گروه های دولتی و هم چنین یک نهاد ملی است. گروه های دولتی در ایالت نیو ساوت ولز، کوینزلند، استرالیای جنوبی، ویکتوریا و استرالیای غربی فعالیت میکنند.

این گروه ها در ارائه توسعه حرفه ای و پشتیبانی از آرشیویست ها و داوطلبان نقش اساسی دارند. جلسات معمولاً در مدارس مختلف برگزار میشود تا بینشی از اختلاف عملکرد آرشیو در محیط های مشابه به دست آید.

سیج های آرشیو های مدارس دولتی در ایام مختلف سال برگزار می شوند. جلسه ها هر ساله به عنوان یک گروه ملی همراه با کنفرانس های ملی سالانه (آ.اس.آ) گرد هم می آیند.

این انجمن ها فرصتی عالی برای شبکه سازی و گفت و گو در مورد موضوعات مشترک فراهم میکنند. اعضای آ.اس.آ همیشه مایل به ارائه مشاوره به تازه واردان در مورد آرشیو یا موارد مرتبط هستند؛ که این یک گام اساسی در ایجاد موفقیت آمیز آرشیو مدرسه است.

شرح وظایف آرشیویست مدرسه

شرح وظایف آرشیویست مدرسه، راهنمایی برای وظایف مختلف حرفه ای مسئولیت ها و خدماتی که ممکن است توسط آرشیویست مدارس انجام شود ارائه میدهد. به عنوان وسیله ای برای کمک به کارمندان و کارفرمایان تهیه شده است و باید متناسب با مقررات مدارس منحصر به فرد باشد.

آرشیویست مدرسه باید توسط مدیر یا سمت مدیریت اجرایی معادل آن در مدرسه، منصوب شود. در حالت ایده ال آرشیویست باید به مدیر یا اعضای دیگر مدیریت اجرایی مدرسه گزارش دهد، تا آرشیویست ها بتوانند خدمات کل مدرسه را به کل انجمن مدرسه ارائه دهند.

آرشیویست

آرشیویست برای مدیریت آرشیو توسط مدرسه برای اهداف جمع آوری، عضویت، حفظ و بازیابی در صورت لزوم، اسناد مربوط به عملکرد عمومی مدرسه و جامعه گسترده تر آن استخدام میشود.

یک آرشیویست حرفه ای اطمینان حاصل خواهد کرد که اسنادی که دارای ارزش معتبری برای اثبات فعالیت اداری، شرکتی، فرهنگی و فکری هستند، ایجاد، نگه داری و مورد استفاده قرار میگیرند.

کار آرشیویست ها برای اطمینان از کارایی و مسئولیت پذیری سازمانی و برای حمایت از درک دوران مدرسه از طریق مدیریت و حفظ حافظه شخصی، شرکتی و اجتماعی آن بسیار حیاتی است.

آرشیویست این اسناد را مطابق با خط مشی ها و روش های مناسب تأیید شده توسط مدرسه در دسترس کاربران قرار می دهد

معیار های انتخاب

مهارت های ضروری یک آرشیویست:

۱. باید واجد شرایط یا خواهان برعهده گرفتن انجام وظایف در آرشیو باشد
۲. شروط آرشیو را بپذیرد یا در یک زمینه مناسب از یک موسسه عالی شناخته شده باشد
۳. باید واجد شرایط یا مایل به عضویت حرفه ای انجمن آرشیو استرالیا باشد
۴. باید ثابت کند توانایی کاملی از درک بهترین روش های آرشیو و مدیریت مدارک دارد
۵. مهارت های کلامی و ارتباطی بسیار خوبی داشته باشد
۶. از کمال و صلاحیت بالایی مطابق با قوانین اخلاقی انجمن آرشیو استرالیا برخوردار باشد
۷. باید دارای تجربه ارزیابی، تنظیم، توصیف و حکم دادن درباره مدارک باشد
۸. باید از اصول حفاظت و نگهداری آگاهی داشته باشد
۹. بدانند یا مایل به کسب دانش عملی از استاندارد های برنامه درسی باشند
۱۰. قادر به شرح دادن مهارت های عالی مدیریت زمان و مدیریت پروژه باشد
۱۱. دارای سطح بالایی از سواد رسانه ای باشد

۱۲. قادر به فعالیت مستقل و با ابتکار و انعطاف پذیری باشد

۱۳. باید مهارت های اداری عالی از جمله درجه بالایی از دقت و توجه به جزئیات را داشته باشد

۱۴. تمایل به شرکت و رسیدگی کردن در کارگاه ها، دوره ها و کنفرانس های مربوط به توسعه حرفه ای

سیاست آرشيو مدارس

آرشيويست مسئول توسعه، نگهداری و اجرای سیاست های آرشيو و روش های لازم برای حمایت از آرشيو مدرسه است و اطمینان حاصل می کند که مدرسه تعهدات مربوط به نگه داری اسناد خود را مطابق با الزامات قانونی انجام داده و از منافع تجاری خود محافظت می کند.

سیاست ها و روند آرشيو مطابق با استاندارد های آرشيو، رویه ها و اصول اخلاقی انجمن آرشيو استرالیا تدوین میشود.

توصیه میشود سیاست آرشيو مدارس، شامل تمام جنبه های مدیریت و اداره آرشيو توسط آرشيويست تهیه شود و به تصویب شورای مدرسه یا هیئت حاکمه معادل آن برسد.

آرشيويست با تمام کارکنان مدرسه کار خواهد کرد و فعالانه روابط خود را با اعضای جامعه

گسترده تر مدرسه، کارکنان، دانش آموزان والدین و اعضای خانواده چه در گذشته و چه در حال حاضر توسعه می دهد.

ارزیابی

آرشيويست درباره ایجاد، ضبط، نگهداری یا تخریب مدارک با مشورت سایر کارمندان مطابق با خط مشی آرشيو مدرسه و برنامه حفظ مدارک با استفاده از برنامه فعلی انجمن استرالیا برای مدارس غیر دولتی به عنوان یک پایه و تایید شده توسط هیئت حاکمه معادل آن تصمیمات آگاهانه میگیرد.

برای مدارس دولتی باید از مرجع نگه داری و دفع مدارک و سیاست های صادر شده توسط آژانس های مربوط به ثبت اسناد دولتی، ایالتی استفاده شود.

ثبت کردن، تنظیم و توصیف

آرشيويست مسئولیت ثبت کردن تنظیم و توصیف کلیه مطالب پذیرفته شده در آرشيو مدرسه را با توجه به خط مشی و استاندارد های آرشيو حرفه ای بر عهده دارد.

مدیریت مدارک

آرشيويست درمورد مدیریت مدارک، ارائه مشاوره و پشتیبانی روزمره و هم چنین مدیریت بلند مدت کلیه مدارک ایجاد شده توسط مدرسه صرف نظر از فرمت به ویژه در زمینه های اداری و حکومتی با اداره کل مشورت خواهد کرد، این ممکن است شامل توصیه هایی در مورد انتخاب مقاله با کیفیت آرشيو، سیستم های ردیابی آرشيو و مدارک، انتقال منظم مدارک غیرجاری به آرشيو و ذخیره سازی پرونده های دیجیتال و غیردیجیتال باشد (اما محدود نمی شود).

حفظ و نگهداری

آرشيويست برای ایجاد یک مخزن امن و ایمن با شرایط مناسب نگهداری و محیطی با توجه به استانداردهای شناخته شده آرشيو و موزه تلاش خواهد کرد. (لازم به ذکر است که این کار نیاز به تعهد مالی مداوم توسط مدرسه دارد). تمام دارایی ها به روش های خاص حفاظت و نگهداری نیاز دارند و باید در مورد اجرای بهترین روش توصیه شود. آموزش پرسنل در مدیریت مدارک و اصول آرشيو آرشيويست آموزش اولیه را در زمینه ایجاد و انتقال مدارک به کلیه کارکنان ارائه خواهد داد. تصویب یک برنامه مشخص و دقیق انجام این امر را تسهیل می کند. همه کارکنان باید از نیاز به مشورت با آرشيويست برای ارزیابی مواد قبل از تخریب آگاه شوند.



■ توسعه و ارتباط حرفه ای

مدرسه از طریق دوره ها و کنفرانس ها، پشتیبانی مداوم برای توسعه حرفه ای به آرشیویست را ارائه می دهد. آرشیویست شخصا مسئول حفظ دانش، تمرین، تعهد حرفه ای خود به استاندارد های حرفه ای است.

■ سیاست آرشیو در برنامه تحصیلی

آرشیویست با فراهم آوردن دسترسی به مطالب منبع اصلی، مطابق با بهترین شیوه های حفاظت، ارزش اجتماعی، فرهنگی و تاریخی، آرشیو ها را برای برنامه مدرسه ترغیب و پشتیبانی میکند.

■ تحقیق

آرشیویست خدمات تحقیقاتی را به همه ی اعضای مدرسه و جامعه گسترده ای که درباره هر جنبه از تاریخ مدرسه تحقیق میکنند، ارائه می دهد.

■ برنامه های اطلاع رسانی

آرشیویست برای طراحی تاریخ و میراث مدرسه و ماهیت، نگهداری و اهمیت تاریخی فرهنگی و اجتماعی آرشیو ها در جامعه گسترده مدرسه، فعالیت های منظمی را طراحی و در آن ها مشارکت میکند. این فعالیت ها ممکن است شامل مقالاتی برای خبرنگار های مدارس، مجلات، گزارش ها، وب سایت ها یا سایر نشریات باشد.

■ مدیریت داوطلبان و پرسنل درون آرشیو

آرشیویست باید واجد شرایط لازم برای آموزش و نظارت بر کارکنان دانشجویان یا داوطلبانی باشد که میتوانند در آرشیو کمک کنند. آرشیویست باید اطمینان حاصل کند که خدمات هر داوطلب با دستورالعمل های انجمن آرشیو استرالیا مطابقت دارد و به الزامات قانون محافظت از کودکان، حریم خصوصی، بهداشت و ایمنی شغلی و حق چاپ و سایر سیاست ها و یا قوانین مربوطه پایبند است.

مشاوره در حوزه موزه/میراث/دارایی

آرشیویست باید بتواند اهمیت موزه، دارایی های درون مدرسه و در زمینه گسترده تر آن را تشخیص دهد. آرشیویست باید بتواند در موارد مربوط به این موارد با توجه به ارزش واقعی یا ذاتی آن ها مشاوره و پشتیبانی کند: اهمیت و حفظ، ترمیم، نمایش دادن، در معرض گذاشتن و ذخیره سازی.

معرفی بزرگان آرشیو

دیوید فریرو دهمین آرشیویست ایالات متحده آمریکا

تورج حیدری

کارشناس امور شوراهای پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
toraj_heidari@yahoo.com

دیوید فریرو انگلیسی؛ زاده ۳۱ دسامبر ۱۹۴۵ یک سیاست‌مدار و دهمین آرشیویست اهل ایالات متحده آمریکا است. «دیوید فریرو» دهمین آرشیویست آمریکایی و کتابداری است که سابقه ۴۰ سال کار در آرشیو تاریخ آمریکا را دارد.

لیسانس و فوق لیسانس ادبیات انگلیسی را از دانشگاه شمال شرقی بوستون و فوق لیسانس را از کالج علوم و کتابخانه سیمونز در بوستون دریافت کرد.

دیوید فریرو در ۶ نوامبر ۲۰۰۹ به عنوان دهمین آرشیویست ایالات متحده تأیید شد. در اوایل سال ۲۰۱۰ وی سازمان آرشیوی و سوابق ملی را به اصول دولت باز شفافیت، مشارکت و همکاری متعهد کرد.

برای موقعیت بهتر نارا برای تحقق این اهداف، فریرو در سال ۲۰۱۰ تحول آژانس را آغاز کرد. این تحول سازمان را تغییر ساختار داده و اهداف بیشتری را برای پیشبرد مأموریت، تأمین نیازهای کسانی که به آژانس اعتماد می‌کنند و یافتن راه‌های جدید و خلاقانه برای رویکرد کار آژانس. پس از جنگ، فریرو به طور جدی به تحصیلات خود نزدیک شد. وی پس از خدمت سربازی، از دانشگاه سیمونز مدرک فوق لیسانس خود را در رشته علوم کتابداری و اطلاعات کسب کرد.

سال ششم، شماره هفتم (پیاپی ۸۳)، پاییز ۱۳۹۹

پیش از این، فریرو به عنوان مدیر کتابخانه های عمومی نیویورک (NYPL) فعالیت می کرد. وی بخشی از تیم رهبری بود که مسئول ادغام چهار کتابخانه تحقیقاتی و ۸۷ کتابخانه شعبه در یک سرویس بی وقفه برای کاربران، ایجاد بزرگترین سیستم کتابخانه های عمومی در ایالات متحده و یکی از بزرگترین کتابخانه های تحقیقاتی در جهان بود. وی همچنین مسئول استراتژی جمع آوری حفاظت؛ تجربه دیجیتالی خدمات مرجع و تحقیق؛ و آموزش، برنامه نویسی، و نمایشگاه ها بود.

قبل از پیوستن به NYPL در سال ۲۰۰۴، آقای فریرو در پست های عالی در دو کتابخانه مهم دانشگاهی، موسسه فناوری ماساچوست در کمبریج، MA و دانشگاه دوک در دورهام، NC خدمت می کرد. وی در این سمت ها ابتکارات بزرگی از جمله گسترش امکانات، پذیرش فناوری های دیجیتال و مهندسی مجدد چاپ و نشریات را بر عهده داشت.

فریرو نماینده شریک NYPL در OCLC (مرکز کتابخانه آنلاین رایانه) بود که با کتابخانه های عضو خود World-Cat - کاتالوگ اتحادیه آنلاین OCLC را تولید و نگهداری می کند. در زمان تصدی فریرو، کتابخانه استفاده از "سیستم طبقه بندی بیلینگز" منحصر به فرد را برای کتابهای مرجع خود در اتاق خواندن رز (اتاق مطالعه اصلی) متوقف کرد و سیستم طبقه بندی به نام جان شاو بیلینگز، که کتابدار سابق NYPL آن را طراحی کرده بود را معرفی کرد.

گشودگی و دسترسی اقدامات نارا را از طرق مختلف پیش می برد. این آژانس از تعدادی از ابزارهای رسانه های اجتماعی - فیس بوک، توئیتر، وبلاگ ها، یوتیوب، تامبلر و سایر موارد - برای جلب مخاطبان گسترده تر استفاده کرده است. نارا از این تعامل دیجیتالی به عنوان یک خیابان دو طرفه استفاده می کند. در اوایل تصدی خود، فریرو سهم "آرشیویست شهروندان" را جشن گرفت و او مشارکت مردم را در شناسایی سوابق فدرال تاریخی و به اشتراک گذاشتن دانش در مورد آنها تشویق کرد.

دسترسی و حفاظت دست به دست می دهند و نارا اقداماتی را انجام داده است تا اطمینان حاصل کند که نسل های آینده از دسترسی به سوابق فدرال لذت خواهند برد.

در آگوست ۲۰۱۲، نارا بخاطر مدرن سازی و بهبود شیوه های مدیریت سوابق فدرال، بخشنامه مدیریت سوابق دولتی را تولید کرد. وی همچنین اقدامات امنیتی جدیدی را برای جلوگیری از سرقت یا سو استفاده از سوابق در پیش گرفت.

NYPL در زمان تصدی فریرو به پروژه کتابخانه Google Books پیوست. گوگل و کتابخانه های بزرگ بین المللی توافق کرده اند که مجموعه کتابهای عمومی را برای اسکن در دسترس قرار دهند تا به صورت آنلاین و بدون هزینه به مردم عرضه شود. چندین تاسیسات جدید که برای محافظت از سوابق و بهبود دسترسی به آنها طراحی شده است، از سال ۲۰۱۰ افتتاح شده است. کتابخانه ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش سیزدهمین کتابخانه ریاست جمهوری تحت مدیریت نارا شد. مرکز ملی سوابق پرسنل در سنت لوئیس، MO، به یک ساختمان تازه احداث شده منتقل شد که برای محافظت از میلیون ها پرونده جانبازان تحت مراقبت از خود مجهزتر است. و آرشیوهای ملی در نیویورک و آرشیوهای ملی در دنور به مکان های جدید نقل مکان کردند. در واشنگتن دی سی، ورودی بازدیدکنندگان از موزه ملی آرشیو پیکربندی شد و گالری جدید دیوید ام. روبنشتاین در دسامبر ۲۰۱۳ افتتاح شد.

فریرو از این مناسبت عمومی برای بیان دیدگاه خود استفاده کرد که آرشیو ملی "یک لحظه تعیین کننده با توجه به سوابق الکترونیکی موجود، ارتباطات رسانه های اجتماعی و فن آوری های نوظهوری که در سراسر دفاتر دولتی استفاده می شود، است." وی همچنین خاطرنشان کرد: "مسائل مربوط به امنیت مجموعه، آینده سیستم کتابخانه ریاست جمهوری، پرونده های عقب مانده در زمینه پردازش، رضایت شغلی کارمندان، روابط ذینفعان، نیازهای نگهداری و ذخیره سازی" باید در نظر گرفته شود.

منبع

1. David Ferrero's name is pronounced FARE-E-O, according to "Senate Holds Confirmation Hearing on Archivist of the U.S. Nomination," Archived 2010-01-30 at the Wayback Machine National Humanities Alliance, 2009
2. Jump up to:a b c Oder, Norman. "NYPL Reorganization Coming," Library Journal (October 1, 2007). Vol. 132, Issue 16, p. 12
3. Jump up to:a b "David S. Ferrero Named Andrew W. Mellon Director and Chief Executive of The Research Libraries at The New York Public Library" (press release). April 26, 2004
4. Kamen, Al. "A New U.S. Archivist: David Ferrero," Washington Post. July 28, 2009
5. Ruane, Michael E. (December 7, 2009). "Sharing a sense of history: Ferrero is first librarian in charge at National Archives". The Washington Post. washingtonpost.com. pp. B01. Retrieved December 7, 2009

ثبت تجربه زیست فرهیختگان درباره کرونا در کتاب های درسی مدارس

سیده فاطمه سیدزاده

کارشناسی ارشد مطالعات آرشیو دانشگاه الزهرا (س) ورودی ۹۸

adineseyedzade@gmail.com

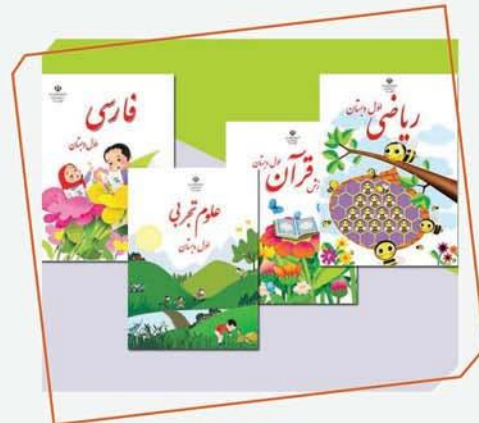
انجام بسیاری از طرح ها و اقدامات به نوبه خود اقدامی مفید است اما زمانی اثربخش تر خواهد بود که در تعامل با سازمان ها و دستگاه های مرتبط صورت گیرد. برای مثال نتایج حاصله از طرح ثبت تجربه زیست فرهیختگان با عنوان تاریخ شفاهی توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران می تواند در تعامل با سازمان آموزش و پرورش کشور در کتاب های درسی آورده و تدریس شود.

در همین راستا لازم است امور به صورت فرابخشی مورد بهره برداری قرار گیرند. به طوری که شاهد تعامل میان سازمان هایی که تولید محتوا دارند و سازمان هایی که از این اطلاعات برای فرهنگسازی و آموزش استفاده می کنند؛ باشیم.

منبع

وب سایت سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۹).
تجربه زیست فرهیختگان درباره کرونا در کتابهای درسی آورده شود
[اخبار]. بازیابی شده در ۲۰ مهر ۱۳۹۹، از http://www.nlai.ir/enter-prise-news/-/asset_publisher/5Xxp6q5vfs9t/content/---7506

به گزارش روابط عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، حسین میرزایی رییس پژوهشکده فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با بیان این مطلب عنوان کرد: ثبت تجربه زیست فرهیختگان کشور در دوران شیوع ویروس کرونا که توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در حال انجام است موثر است. اما آنچه دارای اهمیت است چگونگی در دسترس قرار گرفتن نتایج حاصله این طرح ها است. بخشی از اقدام سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران مربوط به الگوسازی چگونگی زیست در دوران شیوع ویروس کرونا در کشور می شود، اما نکته مهم توجه به این مطلب است که این فرآیند صرفاً مربوط به مسئولیت های سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نمی شود و بی تردید در ادامه فرآیند این پروژه، بسیاری از سازمان ها نظیر سازمان آموزش و پرورش، مرکز پژوهش های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان آموزش عالی کشور و غیره همراه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران خواهند بود.



سرگذشت ساجل و ثبت احوال در ایران

مریم کرمی کندی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات آرشیوی دانشگاه الزهرا(س) - ورودی ۹۷

m k 4 7 4 0 7 9 0 @ g m a i l . c o m



روند تاریخی تداوم و تحول هویتی ساجل یا شناسنامه در ایران مسئله‌ای ناگشوده است که در این کتاب به آن پرداخته است و محتوا و ساختار آن از منظر سندشناسی مورد مطالعه قرار گرفته است. شناسایی افراد از بدو پیدایش کلام وجود داشته و با شکل‌گیری اجتماعات بشری، انسان‌های اولیه در جستجوی هویت خود قبایلشان را با عاج فیل، شاخ گوزن و پوست حیوانات از همدیگر متمایز می‌کردند. حکومت‌ها همواره برای کسب مشروعیت سیاسی، یکپارچه‌سازی میهنی، استقرار و تحکیم نظام دیوان سالاری و حفظ تمامیت ارضی قلمرو خود، اقدام به هویت‌سازی و هویت‌بخشی جمعی می‌نمودند. البته این روند عمدتاً به صورت نامتمرکز و بدون سامان انجام می‌گرفت؛ در ایران تا قبل از اواخر دوره قاجار و تبعات ناشی از تحولات جهانی و انقلاب مشروطه اثری از نظام متمرکز ثبت هویت ساکنان این سرزمین دیده نمی‌شود و مردم ایران از اقشار و گروه‌های مختلف دارای ورقه هویت یا شناسنامه رسمی و قانونی نبودند و اساساً مرکزی رسمی و دولتی هم برای ثبت اسامی و هویت اتباع کشور وجود نداشت و به تبع آن مبنا و معیاری قابل وثوق دربارهٔ جامعه آماری مردم ایران نیز در نظام حکومتی و مدیریتی کشور محل چندان از اعراب نداشت و اساساً آمارها و برآوردهای جمعیتی کشور مبتنی بر میزان علمی و دقیق نبود.

شناسنامه به عنوان نخستین و مهم‌ترین سند هویتی ایرانیان در ابتدای سده بیستم میلادی محسوب می‌شود، یگانه مدرکی که اجازه اعمال حق و ادای تکلیف به تک‌تک افراد می‌دهد

و تنها سندی است که وقایع تلخ و شیرین همچون روز ولادت، زمان ازدواج، نام فرزندان، طلاق یا مرگ همسر و روز وداع صاحبش در آن یافت می‌شود.

نویسنده در این کتاب سعی دارد افزون بر تحلیل و روند شکل‌گیری این فرآیند تاریخی، محتوا و ساختار مهم‌ترین سند هویتی ایران (شناسنامه) را از جنبه‌های مختلف سندشناسی از ابتدای صدور آن (۱۲۹۷ ش) تا کنون را مورد مطالعه قرار دهد.

کتاب دارای سه فصل است که هر فصل با توجه به عنوانی که دارد به قسمت‌های جزئی‌تری تقسیم شده است که در جهت توضیح و تکمیل عنوان اصلی فصل بیان شده است. فصل اول به مسئله نام‌ها و انتساب قبل از تشکیل دولت مدرن در ایران، القاب، عناوین، مهرها و مشخصه‌های هویتی در ایران قبل از تشکیل دولت مدرن، ظهور دولت مدرن و تشکیلات ساجل احوال کل مملکتی، الزامات و ایجاب‌های این پدیده (سازماندهی اسناد هویتی) و رصد دوره‌های تاریخی معین اشاره شده است. در فصل دوم کتاب ساختار، سیمای درونی و محتوایی نسل‌های شناسنامه بررسی شده است. فصل سوم نیز به بررسی ساختار بیرونی شناسنامه اختصاص داده شده است. در این فصل به بررسی اجزائی مانند تمبر، مهر، کاغذ، خط، تذهیب و پرداخته شده است. آخرین بخش این فصل به اسناد اختصاص داده شده که در این بخش به ترتیب، بازنویسی و تصاویر اسناد مرتبط گنجانده شده است.

برگی از تاریخ : مروری بر تاریخچه شناسنامه در ایران

آقای سید حسن سیدی

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

hasan.seyyedi@gmail.com



همچنین برای شناساندن افراد، نام آنها به نام پدرشان اضافه شد مانند ناصر خسرو (Naser - e- Khosroo).

تا پیش از روی کار آمدن پهلوی نخست، غالباً نام اشخاص به ویژه در هنگام ولادت در جایی ثبت نمی‌شد. هویت اشخاص که شامل نام و نام پدر و لقب و پیشه و... بود شفاهی بیان می‌شد. اما در روزگار پهلوی نخست، داشتن برگه هویت یا شناسنامه یا سجل احوال به شیوه غربی در ایران الزامی شد.

سجل احوال (شناسنامه) در ایران در سالهای واپسین فرمانروایی قاجار، سجل احوال در ایران مطرح شد که بعدها، در راستای عربی زدایی از زبان و فرهنگ ایران، واژه شناسنامه، جایگزین آن شد که تا امروز کاربرد دارد. «سجل» در لغت به معنی طومار، دفتر ثبت، و کارنامه است و «احوال» جمع حال که در این ترکیب منظور از آن حالاتی چون تاریخ ولادت، تاریخ ازدواج و طلاق، تاریخ وفات و... است. بنابراین «سجل احوال» یعنی برگ یا کتابچه‌ای که در آن، این حالات نوشته شده باشد. مأموران ثبت احوال که در آغازین سالهای سلطنت پهلوی به صدور شناسنامه اقدام می‌کردند، در گزینش نام خانوادگی یا آنچه را شخص پیشنهاد می‌کرد ثبت می‌کردند، یا خود برای افراد، نام خانوادگی می‌گزیدند. آنها در گزینش خود به عواملی چون نام پدر یا نیای فرد، نام زادگاه

تاریخ نامگذاری آدمیان در غباری از ابهام و تاریکی فرو رفته است. برای ما هنوز به درستی دانسته نیست که آدمیان از چه روزگاری بر یکدیگر نام نهادند؛ اما می‌توان گمانه زد که نامگذاری «در دوران پیش تاریخی به گونه‌ای که در اعصار تمدن انسان شایع شده، تظاهر نداشته است و فقط صاحبان قدرت و مکتب نام و نشان داشته‌اند، به همان سان که بعدها دارای القاب گوناگون شده‌اند.

از ایران پیش از اسلام، نام‌های بسیاری به ما رسیده است. از سنگ نوشته‌های به یادگار مانده از روزگار هخامنشی می‌توان دانست که پادشاه برای شناساندن و معرفی خود، نخست نام خود و سپس نام پدر یا نیاکان خود را می‌گفته است؛ داریوش در بندهای ۱ و ۲ سنگ نوشته بیستون می‌گوید:

من داریوش پسر ویشتاسب نوه آرشام هخامنشی -

احتمالاً این شیوه در روزگاران پس از هخامنشی؛ اشکانی و ساسانی، نیز رایج بوده است.

پس از تاختن تازیان به ایران و مسلمان شدن ایرانیان، در نامگذاری افراد، به تدریج و کمابیش دگرگونی‌هایی رخ داد. برای مثال، واژه «ابن» به جای پسر در نوشته‌ها پیدا شد و یا در نام نهادن بر نوزادان، افزون بر نام های تازی، کنیه‌ها و القاب عربی که رنگ دینی دارند، متداول شد. مانند ابوالقاسم، ابوالحسن، ام‌البین، و غیره.



در آرشیو اداره ثبت احوال نی‌ریز، دیرینه‌ترین ورقه هویت به نمره ۱ از آن مرحوم محمد مصلح است که شغل طبابت داشته. وی در این ورقه، درستی مندرجات این ورقه را اعتراف و تصدیق و امضاء کرده و دو نفر بر مطالب ورقه گواهی و شهادت داده‌اند. در نهایت نخستین برگه هویت قصبه‌ی نی‌ریز را مأمور سجل احوال شعبه یک دفتر ولادتی شیراز امضاء کرده است.

■ دومین شناسنامه در نی‌ریز

دومین شناسنامه در نی‌ریز به نام مرحوم آقا میرزا سید محمد طغرای‌ی فرزند مرحوم آقا سید شریف است که رئیس معارف و اوقاف نی‌ریز بوده و در محله بازار سکونت داشته.

نام مادر وی مرحوم فاطمه بیگم و نام همسر وی مرحومه کوچک بیگم ثبت شده است. زادسال مرحوم طغرای‌ی ۱۵ ماه عقرب ۱۲۶۶ و درگذشتش ۲۳/۱۱/۱۳۲۲ خورشیدی بوده است. برگه هویت طغرای‌ی در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۸ خورشیدی تنظیم شده است.

در نی‌ریز، دیرینه‌شهری از شهرهای سالخورده ایران، اشیاء و اسناد سنگی نسبتاً قدیمی وجود داشته که شوربختانه به سبب نبود موزه‌ی مردم‌شناسی، پاره‌ای از آنها چون انواع فرش‌ها، چاقوها، کوزه‌ها و... که دست‌ساخت هنری مردم این سامان است از زادگاه خود رخت بریسته‌اند؛ ای کاش فراخوانی داده می‌شد تا کسانی که این گونه اشیاء و اسناد را در دست دارند به موزه‌ی نی‌ریز واقع در بنای یادبود استاد احمد نی‌ریزی بپارند تا از گزند حوادث در امان بمانند.

ویژگی‌های اندامی و اخلاقی و... توجه داشتند. مثلاً اگر نام یا نیای کسی، محمد بود نام خانوادگی محمدی را برای او بر می‌گزیدند، یا اگر کسی زاده شهر و روستایی بود، از آن صفت نسبی می‌ساختند و نام‌خانوادگی وی می‌کردند. مانند نی‌ریزی، شیرازی، لاری و غیره. اگر شادمان و خوشحال و با فراست بود، نام خانوادگی وی را همین صفات یا حامل مصادری چون شادمانی، خوشحالی و فراستی می‌نهادند.

خانم فاطمه آزاد (زاده ۱۳۰۸ خورشیدی) می‌فرماید: هنگامی که مرحوم شیخ عبدالرسول پدر آقای منوچهر آزاد می‌خواست شناسنامه بگیرد، به او می‌گویند نام‌خانوادگی شما را چه بگذاریم؟ آن مرحوم بیت زیر را که آغازینه غزلی از حافظ شیراز است می‌خواند:

فاش می‌گویم و از گفته خود دلشادم

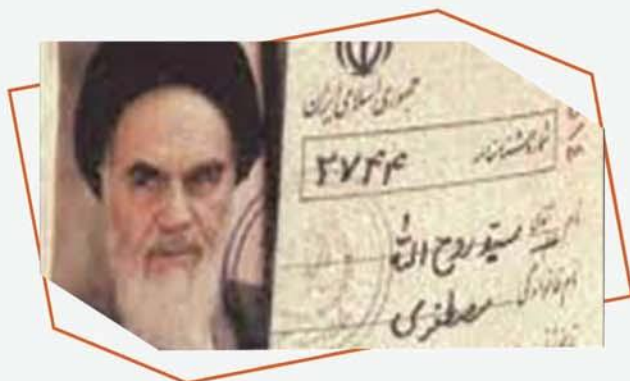
بنده‌ی عشقم و از هر دو جهان آزادم

مأمور سجل احوال، نام‌خانوادگی آزاد را برای وی گزینش می‌کند.

پیش از قانون سجل احوال، تاریخ ولادت افراد رسماً در دفتر یا نهادی ثبت نمی‌شد. از این رو تاریخ ولادت بسیاری از اندیشمندان و هنرمندان این مرز و بوم دقیقاً روشن نیست. با وجود این، بعضی از مردمان فرهنگی و باسواد ایران، تاریخ زادن فرزندان خود را در پشت جلد قرآن یا در پشت جلد و هامش (حاشیه) دست‌نویس‌ها (نسخ خطی) یادداشت می‌کردند.

■ نگاهی به نخستین شناسنامه‌ها در نی‌ریز

در سال ۱۳۰۸ خورشیدی سجل احوال در نی‌ریز شکل گرفته که حوزه اصطهبانات (استهبان) را نیز دربر می‌گرفته است. در سال ۱۳۴۶ حوزه اصطهبانات جدا و مستقل شده است.



■ اولین نامی که در ایران شناسنامه گرفت

تا کمتر از ۱۰۰ سال قبل نه خبری از سبج و شناسنامه بود، نه سازمانی که تولد و مرگ و ازدواج و طلاق را ثبت کند. به جای آن، روحانیون، ریش سفیدان محله یا بزرگان قوم بودند که تا قبل از رواج شناسنامه و ایجاد سازمان ثبت احوال وقایع تولد، پشت جلد قرآن و دیگر کتب مقدس انجام می گرفت. اما با توسعه شهرها و روستاها و افزایش جمعیت کشور نیاز به سازمان و تشکیلاتی برای ثبت وقایع حیاتی در دولت وقت احساس شد و به تدریج فکر تشکیل سازمان متولی ثبت ولادت و وفات و حتی صدور شناسنامه برای اتباع کشور قوت گرفت.

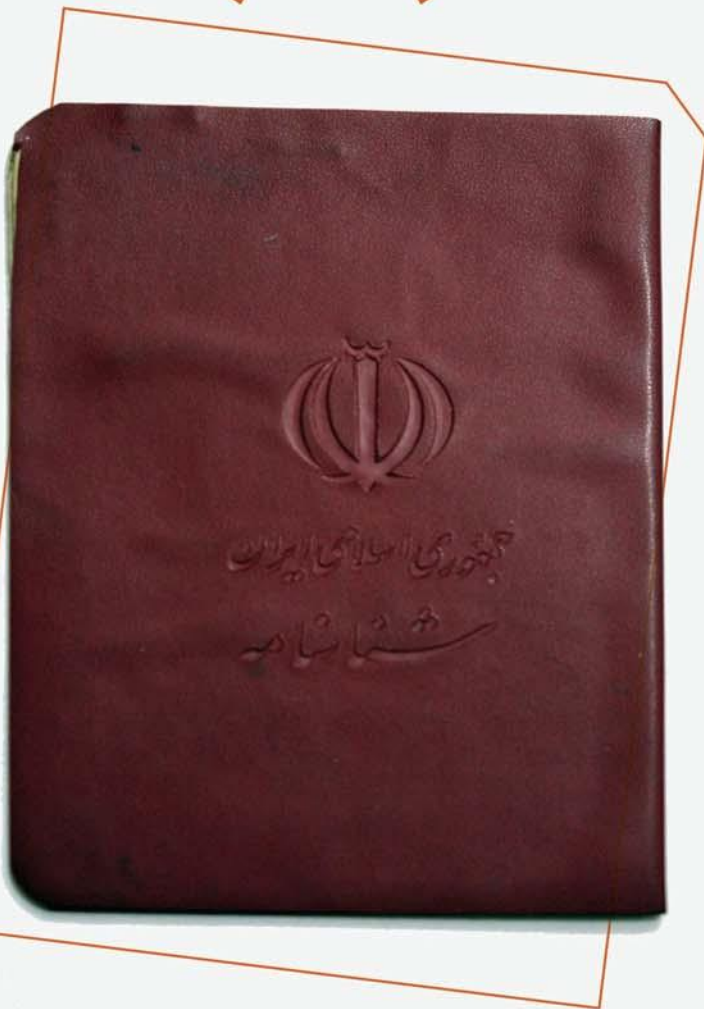
به طوری که ابتدا سندی با ۴۱ ماده در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی به تصویب هیات وزیران رسید و اداره‌ای به نام سبج احوال در وزارت داخله (کشور) وقت به وجود آمد؛ بعد از تشکیل این اداره اولین شناسنامه به شماره ۱ در بخش ۲ تهران در تاریخ ۳ دی ماه ۱۲۹۷ هجری شمسی به نام فاطمه ایرانی صادر شد.

در نهایت و با تصویب قانون مدنی کشور در سال ۱۳۱۳ ثبت نام خانوادگی نیز، اجباری شد. بر اساس قانون، سرپرست خانواده باید برای خانواده خود نام خانوادگی انتخاب می کرد و نام خانوادگی انتخاب شده از سوی وی به سایر افراد خانواده اش هم اطلاق می شد. و از آن زمان تاکنون بیش از چهار نسل از ایرانیان به این نام‌های خانوادگی خوانده می شوند.

منبع

پایگاه خبری _ تحلیلی هورگان، (1396). مروری بر تاریخچه شناسنامه. بازیابی شده در 21 مهر 1399، از

<http://hourgan.ir/fa/news/2905/%D9%85%D8%B1%D9%88%D8%B1%D-B%8C-%D8%A8%D8%B1-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE%DA%86%D9%87-%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87>





ادبیس کودکستان ایران (برسب)

۱۷/۱۲/۲۸

این کودکستان توسط خانم "برسب هوسپیان" از آرامنه ایرانی در دهه 30 خورشیدی در خیابان "معتمد الدوله" با مجوز وزارت فرهنگ تاسیس شده است